با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

ارگان و سازمان‌ها اصول صرفه‌جویی آب و برق را رعایت کنند

وزارتخانه‌ها، ادارات و ارگان‌های دولتی و حتی بیمارستان‌ها در رعایت مصرف صحیح باید برای همه الگو باشند. چه مشکلی پیش می‌آید اگر چند لامپ اضافه یا چند وسیله گرمایشی، برقی و گازی بی‌تأثیر خاموش شود؟ اما از انجام همین کار ساده کوتاهی می‌شود.

عسکرآبادی از تهران

قطع یک هفته‌ای آب در مجتمع مهر زاهدان

از یک هفته قبل آب مجتمع مشاوران املاک منطقه مهر در زاهدان که ۵۴خانوار در آن ساکن هستند قطع شده و دلیل آن نیز نپرداختن آب‌بها اعلام شده است. این در حالی است که تعدادی از واحدها هزینه را نپرداخته‌اند و تاوان آن را در آستانه سال نو همه ساکنان می‌دهند. بارها از مسئولان آبرسانی تقاضا کرده‌ایم به ساکنان مجتمع کنتورهای مستقل آب بدهند که دچار معضلات این‌چنینی نشویم و حقی از کسی ضایع نشود ولی تاکنون حرف ما به جایی نرسیده است. مسئولان به داد ۵۴خانوار زاهدانی برسند.

میرشکاری از زاهدان

پل عابر بدون نرده، جان رهگذران را به خطر می‌اندازد

مدتی قبل بخشی از نرده‌های پل عابر مقابل شهرک صنعتی خاوران به سرقت رفت و بسیار درخصوص آن پیگیری کردیم ولی اتفاقی نیفتاد و چندی بعد باقی نرده‌ها را نیز به سرقت بردند. اکنون زنان و مردان کارگری که صبح‌ها مجبورند از آن پل برای عبور از عرض بزرگراه امام رضا(ع) استفاده کنند هر آن ممکن است سقوط کنند و اتفاق بسیار ناگواری رخ دهد. از مسئولان شهری تقاضا داریم یا پل را ببندند و در سطح بزرگراه سرعتگاه و چراغ چشمک‌زن بگذارند یا اینکه پل را ایمن کنند.

فلاح از شهرک صنعتی خاوران تهران

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

کلاهبرداران بیمه‌ای شناسایی و دستگیر شوند

مدتی قبل به اسم اینکه بیمه تامین اجتماعی شما از بین خواهد رفت، به تعداد زیادی از بازنشستگان تلفن کرده و از آنها مبالغی دریافت کردند که در قبال آن کارت تخفیفی به نام مؤسسه [....] ارائه کردند که قابل استفاده در هیچ جایی نیست. کلاهبرداران به کلیه اسامی، کدهای ملی، شماره‌های تماس و آدرس محل سکونت افراد دسترسی داشتند و بابت هر نفر ۵۳۰هزار تومان دریافت کردند. اغلب بازنشستگان با اعتماد به نام تامین اجتماعی که مورد استفاده بیمه‌گران بود پول پرداخت کردند و اکنون دستشان به جایی بند نیست. لطفا صدای ما را به مسئولان برسانید.

صالحین از تهران

افزایش قیمت خواربار اساسی لطمه جدی به سلامت جامعه می‌زند

افزایش سریع و روزافزون قیمت نان و لبنیات و خواربار اساسی بیشتر از همه به خانواده‌های کم‌درآمد و متوسط جامعه که از این موادغذایی بیشتر استفاده می‌کنند لطمه‌های جدی و جبران‌ناپذیری وارد می‌کند و بی‌شک در آینده مشکلات بسیاری از جهت سلامتی ایجاد می‌کند؛ لذا شایسته است مسئولان در این مورد ضروری و کاملا حیاتی فکر اساسی بکنند.

بلیغیان از اصفهان

فکری برای زوج‌های بدون یارانه بکنند

زوج‌هایی که در یک‌دهه اخیر ازدواج کرده‌اند از لیست یارانه سرپرست خانوار قبل خود خارج شده و بعد از ازدواج هم از یارانه محرومند. آیا وقت آن نیست لیست زوج‌هایی که مشمول دریافت یارانه هستند استخراج شده و به آنها یارانه بپردازند.

صدیقی از تهران

پیام

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

پیوست‌های اجتماعی در تبلیغات رسانه‌ای رعایت نمی‌شود

برخی پیوست‌های بهداشتی، سلامتی، انتظامی و... در تبلیغات تلویزیونی رعایت نمی‌شود و مسئولان نظارتی هم گویا تعهدی در این خصوص احساس نمی‌کنند؛ مثلا در تبلیغات یک پنیر، خوردن پنیر با هندوانه یا گوجه را نشان می‌دهند که بارها پزشکان در خود رسانه ملی درخصوص نامناسب بودن آن برای کبد و کلیه هشدار داده‌اند یا مثلا تبلیغ یک کیف دستی به‌صورت مکرر صورت می‌گیرد و در آن عنوان می‌شود که می‌توانی همه کارت‌ها و مدارک را در یک کیف داشته باشی که بارها کارشناسان انتظامی در خود رسانه ملی در این خصوص هشدار داده و تأکید کرده‌اند که همه کارت‌ها و مدارک خود را یک‌جا نگذارید. لطفا به این پیوست‌های اجتماعی که رعایت آنها ضروری است توجه شود.

عیوضی از تهران

تغذیه به اندازه واکسن در جلوگیری از کرونا مهم است

مسئولان همانگونه که بر تزریق واکسن اصرار دارند در پایین آوردن قیمت مواد پروتئینی و میوه هم اصرار کنند که در این صورت در کنار تزریق واکسن حتما ریشه این بیماری در کشور خواهد خشکید. بی‌شک افرادی که دچار فقر غذایی و سوءتغذیه شده‌اند درصورت تزریق واکسن هم می‌توانند دوباره به بیماری حتی از نوع حاد مبتلا شوند.

فرهادی از تهران

تصویری از آتش‌سوزی

زن جوانی که برای نجات کودک همسایه به دل آتش زده بود پس از ۱۲روز جدال با مرگ جان باخت

بدرقه بانوی فداکار تا خانه ابدی

گزارش

زن فداکار لردگانی که به‌دنبال آتش گرفتن خانه همسایه، برای نجات کودک ۱۱ماهه آنها به دل آتش زده بود بر اثر سوختگی جان باخت و پیکر او در میان جمعیت انبوهی از همشهریانش تشییع شد.

به گزارش همشهری، اعظم اسباه ۳۱ساله مادر ۳فرزند بود که از چهارم اسفندماه و به‌دنبال صدمات شدید ناشی از سوختگی در بیمارستانی در شیراز بستری بود. خانواده اعظم از چند سال قبل به همراه خانواده‌ای دیگر از بخش فلارد شهرستان لردگان در استان چهارمحال و بختیاری برای کار و زندگی راهی روستای بزباز در حوالی شهرستان عسلویه شده بودند و در همسایگی هم زندگی می‌کردند. طبقه پایین خانه همسایه مغازه‌ای بود که تعدادی کپسول گاز ال‌پی‌جی در آنجا نگهداری می‌شد و وجود همین کپسول‌ها بود که باعث حادثه‌ای هولناک شد.

روز حادثه

عصر چهارم اسفند ماه بود که صدای انفجاری هولناک ساکنان روستای بزباز را به وحشت انداخت. انفجار در همان مغازه‌ای رخ داده بود که در طبقه بالای آن، خانواده همسایه زندگی می‌کردند. کپسول ال‌پی‌جی به‌دلیل نشتی گاز به‌ناگاه منفجر شده بود و شعله‌های آتش در چشم‌برهم‌زدنی ساختمان را در برگرفته بود. خانه همسایه شعله‌ور شده بود و این در حالی بود که زن همسایه به همراه فرزندان خردسالش در خانه بودند. اعظم که می‌دانست جان آنها در خطر است به طرف خانه همسایه دوید و خود را به آنجا رساند. در همین هنگام بود که پدر خانواده نیز سر رسید و آنها تلاش کردند بچه‌ها را از خانه بیرون ببرند. اعظم به سمت کودک ۱۱ماهه خانواده دوید و او را در آغوش گرفت اما در همین هنگام اجاق گازی که پشت سر آنها بود شعله‌ور شد و آتش هر دوی آنها را به کام خود برد.

به گفته مرد همسایه، اعظم را دیدم که کودک ۱۱ماهه‌ام را در آغوش گرفته بود و می‌خواست او را با خودش به بیرون از خانه ببرد. اما در همین هنگام آتش از پشت سر آنها شعله‌ور شد. با دیدن این صحنه به طرف آنها پریدم که نجاتشان دهم اما شعله‌ها آنقدر زیاد بود که از دستم کاری ساخته نبود. با این حال لحظاتی بعد و با کمک بقیه اهالی موفق شدیم هم اعظم و هم کودک ۱۱ماهه‌ام را از خانه بیرون ببریم و هر دوی آنها به بیمارستان انتقال یافتند.

جدال با مرگ

کودک ۱۱ماهه دچار بیش از ۴۰درصد سوختگی شده و حالش وخیم بود اما با این حال زنده بود و نفس می‌کشید. زن فداکار نیز به‌شدت دچار سوختگی شده بود که به بیمارستانی در شیراز منتقل شد. کمی بعد اما از بیمارستان خبر رسید که کودک ۱۱ماهه بر اثر شدت صدماتی که دیده بود جانش را از دست داده است و این در حالی بود که تلاش پزشکان برای نجات جان اعظم که خود مادر ۳فرزند بود ادامه داشت. با گذشت زمان به‌نظر می‌رسید که حال زن فداکار رو به بهبود است و وی از خطر مرگ رهایی یافته است. او حتی می‌توانست حرف بزند و برای خانواده‌اش تعریف کرد که روز حادثه چه اتفاقی افتاد و او چطور در حالی که کودک ۱۱ماهه همسایه را در آغوش داشت گرفتار شعله‌های آتش شد. در ادامه اما شرایط وی بار دیگر رو به وخامت گذاشت تا اینکه بانوی فداکار پس از حدود ۲هفته جدال با مرگ جانش را از دست داد. خبر درگذشت اعظم اسباه بار دیگر یادآور حادثه‌ای شد که مهرماه امسال برای نوجوان ۱۵ساله‌ای به‌نام علی لندی در شهرستان ایذه رخ داد. این پسر نوجوان نیز در روز حادثه وقتی متوجه آتش‌سوزی در خانه همسایه خاله‌اش شد برای نجات مادر و دختری که در آنجا ساکنت داشتند به دل آتش زد اما خود دچار سوختگی شدید شد و پس از چند روز جدال با مرگ در بیمارستان جانش را از دست داد.

بدرقه باشکوه

به‌دنبال مرگ دلخراش بانوی فداکار لردگانی، پیکر او به محل زندگی‌اش یعنی بخش فلارد شهرستان لردگان منتقل شد و در میان جمعیت انبوهی از مردمی که برای بدرقه او آمده بودند تشییع و به خاک سپرده شد.

پس از ۶ماه تحقیق معلوم شد که مرد گمشده به قتل رسیده و جسدش در گودالی دفن شده است

اسرار قتل مرد گمشده در سینه دوست صمیمی

جنایی

تحقیقات در پرونده مردی که ۶ماه قبل به‌طرز مرموزی ناپدید شد نشان می‌دهد که یکی از دوستان صمیمی او به‌دلیل اختلافات مالی، مرد گمشده را به قتل رسانده و جسدش را در گودالی دفن کرده است.

به گزارش همشهری، یکی از روزهای شهریور امسال زنی به اداره پلیس رفت و خبر از ناپدید شدن برادر ۵۰ساله‌اش داد. وی گفت:برادرم مهران ۲۰سال قبل به‌خاطر اختلافاتی که با همسرش داشت از او جدا شد و به تنهایی زندگی می‌کرد. معمولا هر روز با او در تماس بودم و احوالش را می‌پرسیدم. آخرین بار مهران با من تماس گرفت و گفت قرار است با یکی از دوستانش به دماوند برود و یک روزه برمی‌گردد. این آخرین مکالمه من و برادرم بود و پس از آن دیگر تلفن‌هایم را پاسخ نداد. ابتدا تصور کردم که شاید در حال استراحت است اما وقتی موبایلش خاموش شد بیشتر نگران شدم. خودم را به خانه‌اش رساندم و با کلیدی که داشتم وارد آنجا شدم اما اثری از برادرم نبود و شکی ندارم که بلایی برسرش آمده است.

ردپای یک آشنا

از لحظه‌ای که زن جوان گزارش ناپدید شدن برادرش را به پلیس اعلام کرد، پرونده‌ای در این‌باره تشکیل شد و گروهی از مأموران اداره چهارم پلیس آگاهی با دستور قاضی حبیب‌الله صادقی، بازپرس جنایی تهران تحقیقات خود را برای یافتن ردی از مرد گمشده آغاز کردند. استعلام از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی فایده‌ای نداشت و نام مهران در این مراکز ثبت نشده بود. نکته دیگری که تیم جنایی را با یک معمای پیچیده روبه‌رو کرده بود این بود که مرد گمشده ۲ خودرو داشت که اثری از آنها هم نبود. از طرفی او قبلا به خانواده‌اش گفته بود که مدارک و اسناد خانه و ۲ ماشینش گم شده و حدس می‌زند یکی از دوستانش به نام جمال آنها را برداشته باشد. از سوی دیگر تحقیق از دوستان مرد گمشده نشان داد که او آخرین بار با جمال قرار ملاقات داشته است. با کنار هم قرار دادن این شواهد و مدارک، تیم جنایی احتمال داد که جمال، دوست صمیمی مرد گمشده، هم اسرار ناپدید شدن او را می‌داند و هم راز گم شدن اسناد و مدارک و همچنین خودروهای این مرد را. در این شرایط بود که دستور بازداشت جمال از سوی بازپرس جنایی تهران صادر شد.

روایت‌های عجیب

جمال چند روز قبل و پس از گذشت ۶ماه از ماجرای ناپدید شدن مرد میانسال بازداشت شد اما وقتی مقابل بازپرس جنایی تهران قرار گرفت روایت‌های متفاوت و متناقضی را مطرح کرد. وی گفت: مهران یکی از دوستان صمیمی من بود که ۵سال قبل آشنایی ما شکل گرفت. او ۲ خودروی تاکسی داشت که یکی از آنها را در اختیار من قرار داده بود تا با آن کار کنم. اما وقتی رابطه ما صمیمی‌تر شد گفت که به‌دلیل آنکه خیلی کار می‌کنم ماشین متعلق به‌خودم باشد. هرچند این موضوع را ثبت نکردیم و در عالم رفاقت ماشینش را به من هدیه داد اما او بارها تأکید کرد که ماشین برای خودم است.

وی ادامه داد: او اما این اواخر زد زیر حرفش و گفت حرفی از اینکه ماشین را به من هدیه داده نزده است. از سوی دیگر مدتی می‌شد که با مهران دچار اختلافات مالی شده بودم تا اینکه روز حادثه با هم قرار گذاشتیم تا درباره مشکلاتی که میان ما پیش آمده بود صحبت و آن را حل کنیم. وی ادامه داد: آخرین بار مهران سوار ماشینم شد و پس از آنکه اختلافاتمان را حل کردیم او را مقابل خانه خواهرش پیاده کردم و دیگر از او خبری ندارم.

او در حالی چنین روایتی مطرح می‌کرد که تحقیقات نشان می‌داد وی و مرد گمشده آخرین بار به سمت پرند رفته بودند نه مقابل خانه خواهر او. بررسی‌ها نشان می‌داد که جمال دروغ می‌گوید و از سرنوشت دوست صمیمی‌اش با خبر است. به همین دلیل بازجویی از او ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل اسرار مرگ او را فاش کرد اما چندین روایت مطرح کرد.

او ابتدا گفت: روز حادثه با مهران قرار داشتم و او سوار ماشینم شد. آن روز با هم درباره اختلافاتی که میان ما پیش آمده بود صحبت کردم. البته اختلافمان آنقدر جدی نبود و بیشتر بحث حساب و کتاب مطرح بود. هوا رو به تاریکی رفته بود که ناگهان حال مهران بد شد. چون خیلی عصبانی شده بود و آنقدر حرص خورد که ناگهان حالش بد شد. او قرصی همراهش بود که آن را خورد تا حالش بهتر شود. اما بهتر نشد و رفته رفته حالش رو به وخامت رفت. من توقف و از ترسم او را از ماشین پیاده کردم. مهران تقریبا بیهوش شده بود و هر چه تلاش کردم، نتوانستم کاری برایش انجام دهم. برای همین از ترسم سوار ماشین شدم و به سرعت آنجا را ترک کردم اما دچار عذاب وجدان شدم و بعد از نیم ساعت سراغش رفتم. اما وقتی بالای سر مهران رفتم دیدم او سوخته است و نفس نمی‌کشد! نمی‌دانم چطور آتش گرفته بود اما چون ترسیده بودم جسدش را همانجا رها کردم.

پس از اعترافات عجیب این مرد مأموران راهی محلی شدند که وی مدعی بود جسد را رها کرده اما هیچ اثری از او به‌دست نیامد. به همین دلیل بار دیگر به بازجویی از متهم پرداختند که او این بار گفت: روز حادثه با مهران بر سر اختلافات مالی درگیر شدیم و او بعد از آنکه قرص خورد فوت شد. من هم از ترسم جسدش را به آتش کشیدم و جسد را به بیابان‌های پرند انتقال دادم. در آنجا گودالی حفر و جسد را داخل آن دفن کردم. تازه‌ترین اعتراف متهم موجب شد تا مأموران راهی پرند شوند و جسد سوخته مهران را درحالی که بدون سر بود از زیر خاک کشف کنند. اگرچه متهم منکر قتل شده و می‌گوید فقط جسد دوستش را آتش زده است اما بازپرس جنایی تهران وی را به اتهام قتل عمدی بازداشت کرده و تحقیقات نشان می‌دهد که او در درگیری جان دوستش را گرفته و بعد جسد او را دفن کرده است.

کودک ۷ساله قربانی تصمیم مادر شد

در حادثه‌ای غم‌انگیز مادری جوان که از بیماری اعصاب و روان رنج می‌برد تصمیم گرفت به زندگی‌اش پایان بدهد، اما تصمیم او به قیمت جان پسر ۷ساله‌اش تمام شد.

به گزارش همشهری، عصر شنبه ۲۱اسفند امسال گزارش مرگ کودکی ۷ساله به قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس جنایی تهران اعلام شد و او به همراه تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران راهی محل حادثه که طبقه سوم ساختمانی ۴طبقه در غرب تهران بود، شدند. تیم جنایی پس از ورود به داخل آپارتمان با پیکر زنی ۳۵ساله مواجه شد که به‌شدت دچار سوختگی شده و در سالن پذیرایی افتاده بود. کمی آنطرف‌تر یعنی در قسمت آشپزخانه پیکر بی‌جان پسر ۷ساله او درحالی که قسمتی از بدنش سوخته بود، افتاده بود. در ابتدا بازپرس جنایی دستور داد تا زن جوان که دچار ۹۰درصد سوختگی شده بود به بیمارستان سوانح و سوختگی انتقال یابد. جسد کودک ۷ساله نیز که به گفته اورژانس به‌دلیل خفگی ناشی از دودگرفتگی جان باخته بود با دستور قاضی به پزشکی قانونی انتقال یافت.

ماموران در ادامه به بررسی محل حادثه پرداختند. در آنجا یک ظرف بنزین و تعداد زیادی بسته‌های قرص دیده می‌شد. به گفته پزشکان قرص‌های کشف شده مربوط به بیماری اعصاب و روان بود که به‌نظر می‌رسید زن جوان پیش از حادثه آن را مصرف کرده است.

از طرفی در محل حادثه پدر و همسر زن جوان بودند که به‌شدت بی‌تابی می‌کردند. پدر این زن که هنوز مرگ نوه‌اش را باور نداشت با گریه به قاضی جنایی گفت: دخترم مدت‌ها بود که دچار بیماری افسردگی شده بود و تحت درمان قرار داشت. در این مدت من او را تنها نگذاشتم و خواستم تا به همراه بچه‌هایش به خانه من بیاید. او به جز پسر ۷ساله‌اش که حالا فوت شده و همه ما را دچار شوک بزرگی کرده است، دختری ۴ماهه هم داشت که از وقتی به دنیا آمد، به دلیل شرایط روحی دخترم آنها را به خانه خودمان بردیم تا بیشتر مراقبش باشیم.

وی ادامه داد: دخترم با همسرش مشکل و اختلافی نداشت و آنها با یکدیگر رابطه خوبی داشتند. روز حادثه دخترم به من گفت که می‌خواهد همراه پسرش به خانه‌اش برود تا هم سری به خانه بزند و آنجا را مرتب کند و هم مقداری وسایل بردارد. حدود ۱۰صبح رفتند و قرار شد تا ظهر برای ناهار برگردند. این درحالی بود که نوه دیگرم یعنی دختر ۴ماهه دخترم نزد من و همسرم ماند. آنها رفتند و من اصلا فکرش را نمی‌کردم که قرار است فاجعه‌ای رخ بدهد و همه ما را شب عید عزادار کند. خانه دخترم فاصله زیادی با خانه ما نداشت و وقتی ساعت حدود یک شد همسرم به دخترم زنگ زد تا سراغش را بگیرد و ببرسد او چه ساعتی برمی‌گردد تا ناهار را آماده کند. اما دخترم تماس‌ها را پاسخ نداد. من هم چندبار به او زنگ زدم اما جواب نداد. درحالی که به‌شدت نگران شده بودم فورا خودم را به مقابل خانه دخترم رساندم، اما هرچه زنگ زدم در را باز نکرد. سراسیمه به دامادم زنگ زدم و از او خواستم تا خودش را برساند و با کلید وارد خانه آنها شویم. دقایقی بعد دامادم رسید و پس از ورود به خانه با دردناک‌ترین صحنه زندگیم روبه‌رو شدم.

در ادامه تحقیقات معلوم شد که همسایه‌ها متوجه آتش‌سوزی نشده‌اند و چون پنجره‌ها بسته بوده دود حاصل از حریق باعث مهار آتش‌سوزی شده است. روی دیوار نیز آثار دود دیده می‌شد و به‌نظر می‌رسید زن جوان که از بیماری افسردگی و روحی رنج می‌برده به قصد خودسوزی روی خودش بنزین ریخته اما دود حاصل از این آتش‌سوزی باعث مرگ تلخ کودک او شده است. با دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران تحقیقات در این‌باره برای کشف حقایق بیشتر ادامه دارد.

انفجار مواد محترقه ۴نفر را راهی بیمارستان کرد

حوادث چهارشنبه سوری ۴نفر را مصدوم و راهی بیمارستان کرد. به گزارش همشهری، نخستین حادثه ساعت ۱۰صبح دیروز در بومهن رخ داد و به ۴مصدومیت ۲نفر منجر شد. این دو نفر یک نارنجک محترقه در دست داشتند که ناگهان منفجر شده و هردو دچار سوختگی از ناحیه صورت و دست‌ها شدند. به گفته یحیی صالح طبری، سرپرست مرکز اورژانس تهران، ۲مصدوم این حادثه برای تکمیل روند درمان به مرکز درمانی منتقل شدند. دومین حادثه شامگاه شنبه در خرم آباد رخ داد و موجب شد یک نوجوان مصدوم و دربیمارستان بستری شود. ماجرا از این قرار بود که انفجار ترقه دست‌ساز باعث شد که نوجوان ۱۵ساله از ناحیه دست به‌شدت دچار آسیب شود. در همین حال از خلخال نیز خبر می‌رسد که انفجار ترقه دست‌ساز مادری را همراه فرزند ۱۵ساله‌اش راهی بیمارستان کرد. در این حادثه پسر ۱۵ ساله در حال حمل ترقه و بازی در حیاط خانه بود که در اثر انفجار دچار سوختگی در ناحیه سر و صورت شد و در همین حال مادرش نیز به حیاط آمده و به قصد نجات فرزندش را در آغوش گرفت و خودش نیز دچار سوختگی شد. براساس این گزارش این مادر و فرزند هر دو از ناحیه سر و صورت، گردن، شکم، دست و پا دچار سوختگی شده‌اند و هم‌اکنون تحت درمان قرار دارند.

کوتاه از حادثه

۹۶۰۰ساختمان پرخطر در تهران

مدیرعامل آتش‌نشانی تهران از وجود ۹۶۰۰ساختمان پرخطر در تهران خبر داد و گفت که از بین آنها ۱۲۹ ساختمان بسیار پرخطرند و نیاز به اقدام فوری دارند.

به گزارش همشهری، روز گذشته عبدالرضا داوری، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران در جمع خبرنگاران حاضر شد تا درباره چهارشنبه‌سوری، عملیات آتش‌نشانان در دوران کرونا، ساختمان‌های پرخطر پایتخت، ساختمان پلاسکو و... توضیح دهد. او با اشاره به اینکه از زمان شیوع کرونا نه‌تنها عملیات آتش‌نشانان کم نشده بلکه بیشتر هم شده، گفت: در این مدت حدود ۶۰درصد پرسنل آتش‌نشانی مبتلا به کرونا شدند و متأسفانه ۳ نفر از همکاران‌مان را به‌دلیل این موضوع از دست دادیم.

وی به ساختمان‌های پرخطر تهران اشاره کرد و گفت: به‌طور کلی ۹۶۰۰ساختمان پرخطر در تهران وجود دارد که نیاز به رفع مشکل وضعیت ایمنی دارند و در این میان ۱۲۹ساختمان نیاز به اقدام فوری داشته و ما باید نگاه همگرایی در این زمینه داشته باشیم تا بتوانیم رفع خطر این ساختمان‌ها را انجام دهیم؛ به‌عبارتی سازمان‌های دیگر هم باید پای کار بیایند چرا که به تنهایی این موضوع امکانپذیر نیست. همچنین هم‌اکنون قوانین، تأثیرگذاری لازم را ندارد و نیاز به بازنگری قوانین ایمنی داریم.

داوری افزود: هدف ما پلمب و آسیب به کسب‌وکارها نیست بلکه رفع مشکل ناایمن بودن ساختمان‌هاست که تاکنون تلاش‌های زیادی در این راست انجام داده‌ایم.

وی به چهارشنبه‌سوری اشاره کرد و توضیح داد: خوشبختانه تاکنون این حوادث نسبت به ۲ سال گذشته کمتر بوده و تا به حال در تهران ۲ مورد حادثه انفجار مواد محترقه داشتیم که ۴نفر مصدوم شدند. لذا از معلمان، مربیان و خانواده‌ها درخواست داریم هر چه بیشتر در این راستا به فرزندان خود آگاهی برسانند.

داوری در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چرا به ساختمان جدید پلاسکو ایمنی موقت داده شده است، گفت: مسئله‌ای به اسم ایمنی موقت نداریم نگاه به پلاسکو نگاه دقیق بوده و تمام ضوابط در ساخت آن اجرا شده است.

به گفته وی، به‌زودی شاهد افتتاح ۲ایستگاه جدید آتش‌نشانی در خیابان قیطریه و شوش خواهیم بود و تا ۲ ماه دیگر تعداد ایستگاه‌های آتش‌نشانی به ۱۳۴ و تا پایان سال آینده به ۱۳۸مورد می‌رسد.

زوج سارق، خانوادگی راهی سرقت می‌شدند

زن و شوهر سارق برای اینکه کسی به آنها شک نکند، به همراه ۲فرزندشان راهی سرقت می‌شدند؛ اما هنگامی که قصد داشتند از یک بیمارستان ۲بار سرقت کنند، دستگیر شدند.

به گزارش همشهری، از چندی قبل مأموران پلیس تهران در جریان سرقت از پرسنل و مراجعان به برخی از بیمارستان‌ها قرار گرفتند. بررسی دوربین‌های مداربسته نشان می‌داد، زن و مردی درحالی که وانمود می‌کنند از همراهان بیماران هستند، قدم به بیمارستان‌ها گذاشته و با زیرنظر گرفتن افراد از حواس‌پرتی آنها استفاده کرده و کیف یا اموال باارزش طعمه‌هایشان را با شگرد کشروی سرقت کرده و بلافاصله بیمارستان را ترک می‌کنند.

درحالی که تحقیقات برای شناسایی و دستگیری دزدان آغاز شده بود، چند روز پیش از یکی از بیمارستان‌ها خبر رسید که انتظامات آنجا موفق شده‌اند زوج سارق را شناسایی کنند. بلافاصله تیمی از مأموران کلانتری نازی‌آباد راهی این بیمارستان شدند و معلوم شد که این زوج یک ماه قبل درحالی که ۲فرزند خردسال خود را نیز به همراه داشتند، وارد این بیمارستان شده و اقدام به سرقت کیف یکی از پرسنل کرده بودند. حال آنکه دوربین‌های مداربسته تصویر آنها را ضبط کرده بود و پرسنل بیمارستان توانسته بودند چهره آنها را به‌خاطر بسپارند. به همین دلیل وقتی این زوج بار دیگر وارد این بیمارستان شده و قصد داشتند تا با همان شگرد دست به سرقت بزنند، پرسنل بیمارستان متوجه ماجرا شده و با کمک انتظامات آنها را به دام انداختند.

سرهنگ امیر هوشنگ امیری، سرکلانتر هفتم پلیس پیشگیری تهران با بیان این خبر گفت: با دستگیری این زوج و بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته بیمارستان، معلوم شد که اظهارات پرسنل بیمارستان صحت دارد و متهمان همان سارقانی هستند که یک ماه قبل درحالی که یک خودروی زانتیا را از همان حوالی سرقت کرده بودند، وارد بیمارستان شده و دست به سرقت زده و با خودروی مسروقه فرار کرده بودند.

وی افزود: متهمان ۳۵ و ۴۰ساله در تحقیقات اولیه به ۵فقره سرقت در بیمارستان‌ها و همچنین سرقت خودرو اعتراف کردند که مالباختگان شناسایی شدند و هر دومتهم برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.

تسلیت

سرکار خانم نوشین نعیم‌آبادی

با نهایت تاثر و تاسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحومه مغفرت و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت داریم.

همکاران شما در موسسه همشهری